



تاریخ: ۱۴۰۵/۰۶/۱۱

شماره: ۲۶۱۹۱

پیوست: دارد

برادر ارجمند جناب آقای دکتر مدنی زاده

وزیر محترم امور اقتصادی و دارائی

با سلام و احترام

گزارش کارشناس کمیسیون مالیات، گمرک و بانک کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران جهت هرگونه اقدام مقتضی، به پیوست تقدیم می گردد.

در ضمن پیرو نامه شماره ۲۵۲۳۳ تاریخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۴ مبنی بر دیدار با حضرتعالی با حضور اعضای هیئت مدیره، روسای تشکل های عضو تقاضا دارد دستور فرمائید فرصتی را برای موضوع منظور و زمان و محل آن را جهت هماهنگی به دبیرخانه کانون عالی اعلام نمایند. قبلاً از بذل توجهی که می فرمائید سپاسگزاری می نماید.

با احترام مجدد

داود آذینه



رونوشت: جناب آقای مهندس معصومی، رئیس محترم کمیسیون مالیات، گمرک و بانک جهت اطلاع و پیگیری و حضور در جلسات مربوط

جناب آقای دکتر داود آدینه

دبیر کل محترم کانون عالی کارفرمایان ایران

موضوع: درخواست رسیدگی به رویه ضدرقابیتی تعیین حداقل نرخ خدمات حسابرسی و ارجاع به هیأت مقررات زدایی

با سلام،

احتراماً وفق درخواستهای واصله و طرح شده در کمیسیون مالیات، گمرک و بانک کانون، در راستای صیانت از حقوق و منافع مشروع کارفرمایان و بنگاههای اقتصادی کشور و با توجه به آثار مستقیم مقررات و رویههای مورد اعتراض بر هزینه فعالیت، آزادی قراردادی، رقابت سالم و محیط کسب و کار، بدین وسیله درخواست رسیدگی خود را نسبت به نحوه تعیین و تحمیل حداقل حق الزحمه خدمات حسابرسی توسط جامعه حسابداران رسمی ایران و به ویژه افزایش قریب به ۷۵ درصدی نرخهای پایه در سال ۱۴۰۵ (که این رویه محدودیت همه ساله تکرار می گردد) اعلام می نماید.

موضوع حاضر صرفاً اختلاف بر سر «میزان حق الزحمه حسابرسی» نیست؛ بلکه ناظر بر ایجاد یک سازوکار عمومی و الزام آور تعیین حداقل قیمت در بازاری است که باید اصولاً رقابتی باشد. حسب مستندات موجود، رعایت کف قیمت اعلامی با سازوکار سامانه ای و ضمانت اجرای انتظامی همراه شده و بنابراین آثار آن از یک توصیه صنفی فراتر رفته و مستقیماً بر قراردادهای خصوصی، امکان رقابت مؤسسات، ورود بنگاههای کوچک و تازه تأسیس به بازار و هزینه صاحبان کسب و کار اثر می گذارد.

الف) شرح موضوع و رویه مورد اعتراض

جامعه حسابداران رسمی ایران طی ابلاغیه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۰۲، نرخهای پایه خدمات حسابرسی سال ۱۴۰۵ را به تفکیک ردههای حرفه ای از کمک حسابرس تا مدیر حسابرسی تعیین و اعلام نموده و نرخهای مزبور را «مبنای حداقل عمل» قرار داده است. حسب مقایسه نرخهای پایه سال قبل و سال جاری، حداقل حق الزحمه پایه از حدود ۵۸ میلیون تومان به حدود ۱۰۱ میلیون تومان رسیده و افزایشی در حدود ۷۵ درصد را نشان می دهد.

حسب رویه اجرایی اعلام شده و تجربه عملی مؤسسات، موضوع به اعلام یک نرخ توصیه ای محدود نیست؛ قرارداد پایین تر از حداقل مورد نظر در سامانه قابلیت بارگذاری و طی کامل فرآیند را ندارد. افزون بر این، بند (۹) ابلاغیه سال ۱۴۰۵، عدم رعایت مفاد ابلاغیه را مشمول تنبیه های انضباطی ردیف های (۷۶) و (۷۷) جدول تخلفات و تنبیه های انضباطی موضوع ماده (۱۹) آیین نامه اجرایی هیأت های انتظامی دانسته است. بنابراین کف قیمت با ضمانت اجرای حرفه ای و انتظامی همراه شده است.

با توجه به اختیارات جامعه در حوزه نظارت حرفه ای، کنترل کیفیت، رتبه بندی، رسیدگی انتظامی و مدیریت سامانه های مرتبط، این وضعیت می تواند قدرت تنظیم گری حرفه ای را عملاً به اهرم اجرای سیاست قیمت گذاری تبدیل نماید؛ موضوعی که از حیث حدود صلاحیت، اصل تناسب، آزادی قراردادها، رقابت سالم و منع انحصار نیازمند رسیدگی است.

ب) حدود صلاحیت جامعه حسابداران رسمی و تفکیک «روش تعیین حق الزحمه» از «تحمیل قیمت»

ماده (۶۳) اساسنامه جامعه حسابداران رسمی ایران، «روش تعیین حق الزحمه خدمات حرفه‌ای» را تابع آیین‌نامه‌ای می‌داند که با پیشنهاد شورای عالی جامعه به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌رسد. وجود این اختیار به معنای اختیار نامحدود برای تثبیت قیمت نهایی معامله، ممنوع کردن رقابت زیر یک کف و اعمال ضمانت اجرای انتظامی نسبت به توافق خصوصی طرفین نیست و حدود دقیق اختیار باید مضیق و منطبق با قانون تفسیر شود.

تبصره (۱) ماده (۲۷) اساسنامه نیز مؤسسات حسابرسی و شاغلان انفرادی را مکلف کرده است ظرف یک هفته «پس از انعقاد قرارداد» اطلاعات قراردادهای منعقدشده را به جامعه ارائه کنند. ترتیب قانونی مزبور مؤید آن است که اصل، انعقاد قرارداد میان طرفین و سپس ثبت اطلاعات برای اهداف نظارتی است؛ نه اخذ اجازه قیمت از جامعه پیش از امکان ثبت یا اجرای قرارداد.

ماده (۲۹) اساسنامه هدف نظارت حرفه‌ای را ارتقای کیفیت، هماهنگی روش‌های حسابرسی، افزایش کیفیت گزارش‌ها و پیشگیری از رفتار ناسازگار با شئون حرفه‌ای بیان می‌کند و ماده (۳۰) نیز عدم رعایت مقررات و تذکرات حرفه‌ای را قابل ارجاع به هیأت‌های انتظامی می‌داند. از این اختیارات نمی‌توان بدون نص روشن، اختیار مستقلی برای تعیین قیمت بازار و حذف رقابت قیمتی استنتاج کرد.

پ) صلاحیت هیأت مقررات‌زدایی و بهبود محیط کسب‌وکار

مواد (۷) و (۷ مکرر) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی، با اصلاحات بعدی، مراجع صدور مجوز را مکلف به شفاف‌سازی و محدود کردن شرایط صدور و تمدید مجوز به شرایط قانونی و مصرح نموده است. مطابق اصلاحات قانونی، مرجع تشخیص مصادیق کسب‌وکار و مجوزهای مربوط، هیأت مقررات‌زدایی و بهبود محیط کسب‌وکار است و تحمیل شرط اضافه خارج از شرایط قانونی و ثبت شده ممنوع است.

جامعه حسابداران رسمی در صدور و استمرار مجوز فعالیت حرفه‌ای مؤسسات و حسابداران رسمی نقش قانونی دارد. از این رو، چنانچه رعایت کف قیمت یا درصد افزایش خاص عملاً به شرط ثبت قرارداد، استمرار فعالیت، پذیرش سامانه‌ای، ارزیابی حرفه‌ای یا برخورداری کامل از حقوق ناشی از مجوز تبدیل شده باشد، بررسی ماهیت و مشروعیت این الزام در چهارچوب صلاحیت هیأت محترم قرار می‌گیرد.

ت- اصل رقابت، کشف قیمت توسط عرضه و تقاضا و منع جایگزینی آن با قیمت‌گذاری صنفی

یکی از بنیادی‌ترین شروط سلامت هر کسب‌وکار، رقابتی بودن بازار آن است. در بازار رقابتی، قیمت باید از برآیند عرضه و تقاضا و فرآیند طبیعی کشف قیمت شکل گیرد؛ یعنی هزینه واقعی ارائه خدمت، بهره‌وری، کیفیت، ریسک، سابقه، فناوری، ظرفیت عرضه، میزان تقاضا، حاشیه سود و قدرت انتخاب طرفین در قیمت نهایی اثر بگذارد. قیمت نباید محصول انحصار، رانت یا تصمیم هماهنگ عرضه‌کنندگان برای تثبیت یک کف الزام‌آور باشد.

فصل نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) با عنوان «تسهیل رقابت و منع انحصار» بر همین مبنا استوار است. ماده (۴۳) دامنه شمول این فصل را به تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی بخش‌های عمومی، دولتی، تعاونی و خصوصی تسری می‌دهد. بند (۱) ماده (۴۴) نیز هرگونه ترتیبی را که نتیجه آن بتواند اخلاف در رقابت باشد و به مشخص کردن مستقیم یا غیرمستقیم قیمت خرید یا فروش کالا یا خدمت یا «نحوه تعیین آن» در بازار منجر شود، در قلمرو ممنوعیت‌های رقابتی قرار می‌دهد.

بنابراین مسئله فقط اعلام یک رقم ثابت نیست. تحمیل یک فرمول، کف یا روش تعیین قیمت که عرضه‌کنندگان را از ارائه قیمت پایین‌تر باز دارد نیز از حیث آثار رقابتی قابل بررسی است. مواد (۴۴) و (۴۵) قانون مزبور، محدود کردن رقابت، تحمیل شرایط معاملاتی، ایجاد مانع ورود و سوءاستفاده از وضعیت مسلط را مورد

توجه قرار داده‌اند و ماده (۶۲) نیز شورای رقابت را مرجع رسیدگی به رویه‌های ضد رقابتی شناخته است.

اصل مورد مطالبه این کانون روشن است: «قیمت در بازار رقابتی باید توسط عرضه و تقاضا کشف شود، نه توسط انحصار و رانت». اگر کیفیت خدمت نیازمند نظارت است، کیفیت باید کنترل شود؛ اما کنترل کیفیت نباید به حذف سازوکار کشف قیمت و جایگزینی آن با کف قیمت اداری یا صنفی منجر گردد.

ث) آثار ضد رقابتی کف قیمت؛ حذف مؤسسات کوچک و ایجاد رانت ساختاری برای مؤسسات بزرگ

تعیین کف قیمت یکسان یا نزدیک به یکسان، برخلاف ظاهر حمایتی آن، می‌تواند به حذف تدریجی مؤسسات کوچک، تازه‌تأسیس و چابک از گردونه رقابت منجر شود. مؤسسه کوچک معمولاً برای ورود به بازار، ایجاد سابقه و کسب سهم بازار از مزیت‌هایی مانند سربار کمتر، ساختار سازمانی سبک‌تر، بهره‌وری بیشتر، فناوری بهتر یا پذیرش حاشیه سود پایین‌تر استفاده می‌کند. قیمت رقابتی یکی از اصلی‌ترین ابزارهای ورود چنین بنگاه‌هایی به بازار است.

وقتی مقرر این ابزار را از مؤسسه کوچک سلب و همه عرضه‌کنندگان را به کف قیمت واحد نزدیک می‌کند، صاحبکار در شرایط قیمت برابر یا نزدیک به برابر، به طور طبیعی مؤسسه بزرگ‌تر، با سابقه‌تر، دارای برند شناخته‌شده‌تر و رتبه حرفه‌ای بالاتر را انتخاب خواهد کرد. در نتیجه، مقرره‌ای که ظاهراً برای حمایت از حرفه وضع شده، می‌تواند در عمل تقاضا را به سمت مؤسسات بزرگ‌تر هدایت، ورود و رشد مؤسسات کوچک را دشوار، تمرکز بازار را بیشتر و نوعی رانت ساختاری برای مؤسسات برخوردار ایجاد کند.

این نتیجه با فلسفه فصل نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) ناسازگار است. رقابت سالم زمانی معنا دارد که بنگاه جدید بتواند با نوآوری، بهره‌وری، کیفیت بهتر یا قیمت پایین‌تر وارد بازار شود. اگر قیمت از پیش در یک کف هماهنگ تثبیت گردد، رقابت از «بهره‌وری و قیمت» به «اندازه، سابقه و برند» منتقل می‌شود و مانع ورود برای مؤسسات کوچک افزایش می‌یابد.

ج) سیاست‌های بالادستی برنامه هفتم و محدود بودن مداخله در قیمت‌گذاری

قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت، در امتداد سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، بر تقویت رقابت‌پذیری، مشارکت بخش خصوصی و محدود کردن مداخلات غیرضروری در سازوکار بازار تأکید دارد. احکام برنامه در حوزه قیمت‌گذاری نیز مداخله مستقیم در قیمت را به موارد استثنایی و قانونی از جمله کالاها و خدمات دارای وضعیت خاص و بازارهای انحصاری محدود می‌سازد و تنظیم بازارهای انحصاری را در پیوند با صلاحیت‌های شورای رقابت قرار می‌دهد.

بر این مبنای، در بازاری که ارائه‌دهندگان متعدد خصوصی حضور دارند، اصل باید رقابت و کشف قیمت باشد. اگر ادعا شود بازار خدمات حساسی به نحوی است که نیازمند تنظیم قیمت اجباری است، لازم است مبنای قانونی، تشخیص وضعیت انحصاری یا ضرورت تنظیم قیمت و مرجع صالح آن به طور روشن ارائه شود. یک شکل حرفه‌ای نمی‌تواند صرفاً با استناد به وظیفه نظارت حرفه‌ای، خود را جایگزین سازوکار قانونی تنظیم بازار و شورای رقابت نماید.

چ) اصول قانون اساسی؛ آزادی فعالیت اقتصادی و منع انحصار

اصول اقتصادی قانون اساسی، از جمله اصول (۲۸)، (۴۴)، (۴۶) و (۴۷)، در کنار بند (۵) اصل (۴۳) که بر منع اضرار به غیر، انحصار و احتکار تأکید دارد، مؤید حمایت از فعالیت اقتصادی مشروع، مالکیت حاصل از کسب‌وکار و جلوگیری از ایجاد ساختارهای انحصاری است. این اصول باید در تفسیر مقررات حرفه‌ای به نحوی رعایت شود که تنظیم‌گری به مانع غیرضروری ورود، رشد و رقابت فعالان اقتصادی تبدیل نگردد.

ح) مداخله در آزادی قراردادهای مواد ۱۰ و ۲۱۹ قانون مدنی

ماده (۱۰) قانون مدنی قراردادهای خصوصی را، مادام که مخالف صریح قانون نباشند، نافذ می‌شناسد و ماده (۲۱۹) نیز عقود را که بر طبق قانون واقع شده باشند میان طرفین لازم‌الاتباع می‌داند. اصل بر آزادی اراده صاحبکار و مؤسسه حسابرسی در تعیین شرایط قرارداد، از جمله حق الزحمه، است و هرگونه محدودیت بر این آزادی نیازمند مجوز قانونی روشن است.

حجم عملیات، ریسک مأموریت، کیفیت سیستم مالی، میزان اتوماسیون، کنترل‌های داخلی، تعداد اسناد، ساعات لازم، ترکیب نیروی حرفه‌ای، فناوری، بهره‌وری و حاشیه سود مؤسسه از عواملی هستند که باید بتوانند در توافق قیمت اثر بگذارند. عدم پذیرش قرارداد صرفاً به علت پایین‌تر بودن مبلغ توافقی از کف مورد نظر شخص ثالث، مداخله مستقیم در قرارداد خصوصی است و مستند قانونی آن باید به صورت صریح احراز شود.

خ) افزایش قریب به ۷۵ درصدی نرخ پایه و نسبت آن با نظام قانونی مزد

حسابرسی یک خدمت حرفه‌ای متکی بر نیروی انسانی متخصص است و خود ابلاغیه جامعه نیز نرخ‌ها را بر اساس ساعات کار رده‌های حرفه‌ای از کمک‌حسابرس تا مدیر حسابرسی تنظیم کرده است. مرجع قانونی تعیین حداقل مزد و افزایش سایر سطوح مزدی مشمول قانون کار، شورای عالی کار است. در مصوبه مزد سال ۱۴۰۵، افزایش سایر سطوح مزدی معادل ۴۵ درصد مزد ثابت یا مزد مینا به علاوه مبلغ ثابت مقرر تعیین شده است.

از این رو، جامعه نمی‌تواند افزایش حدود ۷۵ درصدی نرخ خدمت را صرفاً با عنوان افزایش هزینه نیروی انسانی توجیه کند. چنانچه افزایش مزبور ناشی از سایر اجزای بهای تمام‌شده است، ارائه آنالیز شفاف هزینه، شاخص‌های مورد استفاده، گزارش توجیهی، مصوبات شورای عالی جامعه و مجوزهای قانونی و وزارتی مربوط ضروری است. حتی اثبات افزایش بهای تمام‌شده نیز به خودی خود مجوز تحمیل همان درصد افزایش به قیمت فروش همه مؤسسات نیست. در بازار رقابتی، بنگاهی که بهره‌وری بیشتر یا سربار کمتر دارد یا حاضر است حاشیه سود کمتری بپذیرد، باید بتواند خدمت استاندارد را با قیمت پایین‌تر عرضه کند. حذف این امکان، حذف یکی از عناصر اصلی رقابت است.

د) پاسخ به توجیه احتمالی «حفظ کیفیت و جلوگیری از فساد»

ممکن است در دفاع از کف قیمت گفته شود قرارداد با حق الزحمه پایین می‌تواند موجب کاهش کیفیت، خدشه به استقلال حسابرس یا دریافت وجوه و منافع دیگری خارج از قرارداد شود. چنین نگرانی‌ای، در فرض وجود، ضرورت کنترل کیفیت، استقلال و شفافیت را توجیه می‌کند؛ نه تعیین کف قیمت برای تمام فعالان سالم بازار.

احتمال وقوع تخلف نمی‌تواند مبنای فرض متخلف بودن تمامی مؤسساتی قرار گیرد که به دلیل بهره‌وری یا ساختار هزینه مناسب‌تر، قیمت پایین‌تری پیشنهاد می‌کنند. اگر مؤسسه‌ای خارج از قرارداد وجه یا منفعت دریافت کند، استقلال خود را نقض نماید، ساعات لازم را رعایت نکند یا استانداردهای حسابرسی را اجرا نکند، باید همان رفتار مشخص احراز و مطابق مقررات با آن برخورد شود.

این منطقی در سایر خدمات حرفه‌ای نیز صادق است. نمی‌توان صرف احتمال دریافت پنهانی مابه‌التفاوت، وکلا، مهندسان، مشاوران، پیمانکاران یا سایر ارائه‌دهندگان خدمات را از ارائه قیمت رقابتی منع کرد. قیمت بالاتر نیز فی‌نفسه تضمین‌کننده کیفیت یا سلامت نیست. بنابراین «نظارت باید معطوف به رفتار متخلفانه باشد، نه

قیمت رقابتی».

ذ) ضمانت اجرای انتظامی و استفاده از ابزار نظارتی برای اجرای قیمت

بند (۹) ابلاغیه سال ۱۴۰۵ عدم رعایت ضوابط اعلامی را به تنبیهات انتظامی متصل کرده است. با توجه به مواد (۲۹) و (۳۰) اساسنامه و اختیارات انتظامی و حرفه‌ای جامعه، لازم است دقیقاً بررسی شود چرا عدم رعایت مبلغ یا درصد افزایش مورد نظر جامعه می‌تواند مستقلاً موجب عدم پذیرش سامانه‌ای، عدم تأیید فرآیند گزارش، کاهش امتیاز یا رتبه، ثبت تخلف یا سایر محدودیت‌های حرفه‌ای شود.

اگر پاسخ مثبت باشد، با وضعیتی مواجه هستیم که قدرت نظارتی و انتظامی یک تشکل حرفه‌ای برای تضمین اجرای یک کف قیمت به کار گرفته می‌شود. مشروعیت چنین توسعه‌ای در صلاحیت باید مستقلاً و با معیارهای ضرورت، تناسب و نص قانونی بررسی گردد.

ر) تعارض منافع و حق عضویت متغیر

ماده (۴۲) اساسنامه جامعه، حق عضویت ثابت و متغیر را از منابع درآمد جامعه شناخته است. ضروری است آخرین مصوبات مربوط به نحوه محاسبه حق عضویت متغیر مؤسسات از جامعه و وزارت امور اقتصادی و دارایی مطالبه شود. چنانچه حق عضویت متغیر تابعی از درآمد حرفه‌ای یا مبلغ قراردادهای اعضا باشد، تعیین و افزایش کف قیمت توسط نهادهای که خود از افزایش درآمد اعضا منتفع می‌شود، واجد تعارض منافع ساختاری قابل توجه خواهد بود.

همچنین ترکیب اشخاص دخیل در پیشنهاد، تصویب و اجرای نرخ‌ها و ارتباط حرفه‌ای و اقتصادی آنان با مؤسسات حسابرسی فعال باید از حیث تعارض منافع بررسی شود. طرح این موضوع به معنای انتساب تخلف به شخص معین نیست؛ بلکه مطالبه بررسی ساختاری فرآیندی است که در آن فعالان یک بازار ممکن است در تعیین حداقل قیمت همان بازار نقش داشته باشند.

ز) سابقه اعتراض سایر نهادهای حرفه‌ای؛ مصداق سازمان نظام مهندسی ساختمان

موضوع حاضر منحصر به یک صاحبکار یا یک مؤسسه نیست. از جمله، سازمان نظام مهندسی ساختمان ایران طی نامه شماره ۱۴۰۳/۶۶۹۲۸/ص مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۲۰ نسبت به رویه سالانه جامعه حسابداران رسمی در افزایش حق الزحمه اعتراض کرده و به افزایش هماهنگ حق الزحمه مؤسسات بر مبنای ضرایب اعلامی اشاره نموده است. این سابقه مؤید آن است که آثار اقتصادی و رقابتی رویه مورد اعتراض، ماهیت عمومی و تکرارشونده دارد و قبلاً نیز از سوی یک نهاد حرفه‌ای بزرگ کشور مورد ایراد قرار گرفته است.

ژ) قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار و حق مشارکت تشکل‌های اقتصادی

مواد (۲) و (۳) قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، دولت و دستگاه‌های اجرایی را در فرآیند تدوین یا اصلاح مقررات، بخشنامه‌ها و رویه‌های اجرایی مرتبط با محیط کسب و کار مکلف به اخذ و بررسی نظر تشکل‌های اقتصادی ذی‌ربط، از جمله تشکل‌های کارفرمایی و کارگری، کرده است. ماده (۱۲) نیز برای تشکل‌های اقتصادی سراسری امکان طرح درخواست اصلاح مقررات، دستورالعمل‌ها و رویه‌های محل کسب و کار را به رسمیت شناخته است.

تعیین کف قیمت حسابرسی و افزایش قریب به ۷۵ درصدی آن مستقیماً بر هزینه هزاران بنگاه اقتصادی اثر می‌گذارد. لذا لازم است روشن شود در فرآیند پیشنهاد و تصویب این افزایش چه ارزیابی‌ای از آثار آن بر محیط کسب و کار انجام شده و آیا نظر تشکل‌های اقتصادی و کارفرمایی پرداخت‌کننده این هزینه اخذ و بررسی شده است یا خیر.

س) آثار مقرر بر بنگاه‌های کوچک و متوسط و شفافیت اقتصادی

افزایش اجباری هزینه حسابرسی، به‌ویژه برای بنگاه‌های کوچک و متوسط، می‌تواند نتیجه‌ای معکوس با هدف شفافیت ایجاد کند. در موارد مشمول ماده (۲۷۲) قانون مالیات‌های مستقیم، افزایش شدید هزینه حسابرسی ممکن است برخی بنگاه‌ها را به این ارزیابی سوق دهد که تحمل ضمانت اجرای مالیاتی عدم ارائه گزارش، از پذیرش هزینه حسابرسی تحمیلی کم‌هزینه‌تر است. چنین نتیجه‌ای می‌تواند پوشش حسابرسی مستقل، شفافیت مالی و تمکین قانونی را کاهش دهد.

التهای مجموعه اقدامات مورد اعتراض شامل تعیین حداقل قیمت برای یک خدمت حرفه‌ای، افزایش قریب به ۷۵ درصدی آن در سال ۱۴۰۵، الزام مؤسسات به رعایت کف، ایجاد محدودیت سامانه‌ای برای قرارداد پایین‌تر، اتصال عدم رعایت به ضمانت اجرای انتظامی، احتمال اثرگذاری بر رتبه و وضعیت حرفه‌ای، محدود کردن آزادی قراردادی، حذف رقابت قیمتی، ایجاد مانع ورود برای مؤسسات کوچک، افزایش تمرکز بازار، احتمال ایجاد رانت ساختاری و احتمال تعارض منافع ناشی از حق عضویت متغیر است.

در چنین ساختاری، «کشف قیمت توسط عرضه و تقاضا» جای خود را به «تثبیت کف قیمت از طریق قدرت تنظیم‌گری صنفی» می‌دهد. این امر با جهت‌گیری قوانین کشور در تسهیل رقابت، منع انحصار، بهبود محیط کسب‌وکار و حمایت از آزادی فعالیت اقتصادی نیازمند رسیدگی فوری و مؤثر است.

درخواست‌های کانون عالی کارفرمایان ایران:

- ۱- اصل مشروعیت و حدود قانونی تعیین «حداقل قیمت الزام‌آور» خدمات حسابرسی توسط جامعه حسابداران رسمی ایران مورد رسیدگی قرار گیرد.
- ۲- مبانی قانونی، محاسبات اقتصادی، آنالیز بهای تمام‌شده، گزارش توجیهی، مصوبات شورای عالی جامعه و کلیه مجوزهای وزارتی مربوط به افزایش قریب به ۷۵ درصدی نرخ‌های پایه سال ۱۴۰۵ و متعاقباً ممنوعیت این مورد برای سنوات آتی مطالعه و بررسی شود.
- ۳- بررسی شود آیا خدمات حسابرسی از حیث قوانین رقابت و برنامه هفتم، واجد وضعیتی است که مداخله اجباری در قیمت آن را توجیه کند و آیا تشخیص لازم توسط مرجع قانونی صالح، از جمله شورای رقابت، صورت گرفته است یا خیر.
- ۴- هرگونه محدودیت سامانه‌ای که ثبت قرارداد، پذیرش اطلاعات قرارداد یا طی فرآیند گزارش حسابرسی را منوط به رعایت حداقل مبلغ یا درصد افزایش مورد نظر جامعه می‌کند احصا و در صورت فقدان مجوز قانونی صریح، حذف گردد.
- ۵- قانونی بودن بند (۹) ابلاغیه سال ۱۴۰۵ از حیث اتصال عدم رعایت کف قیمت به ضمانت اجرای انتظامی مورد بررسی قرار گیرد.
- ۶- جامعه مکلف گردد میان کنترل کیفیت و استقلال حسابرس از یک سو و کنترل قیمت قرارداد از سوی دیگر تفکیک قائل شود و از استفاده از ابزارهای نظارتی، انتظامی، رتبه‌بندی و سامانه‌ای برای تحمیل قیمت فاقد مجوز قانونی خودداری نماید.
- ۷- آخرین مصوبات مربوط به نحوه محاسبه حق عضویت متغیر مؤسسات حسابرسی مطالبه و در صورت وابستگی آن به درآمد یا مبلغ قراردادهای تعارض منافع ناشی از انتفاع جامعه از افزایش قیمت خدمات اعضا بررسی گردد.
- ۸- ترکیب اشخاص و ارکان دخیل در پیشنهاد، تصویب و اجرای نرخ‌ها و ارتباط حرفه‌ای و اقتصادی آنان با مؤسسات حسابرسی فعال از حیث تعارض منافع بررسی شود.
- ۹- اثر کف قیمت بر مؤسسات کوچک و تازه‌تأسیس، ایجاد مانع ورود، افزایش تمرکز بازار و ایجاد رانت ساختاری برای مؤسسات بزرگ‌تر و باسابقه‌تر ارزیابی گردد.
- ۱۰- با توجه به مواد (۴۳)، (۴۴)، (۴۵) و (۶۲) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، جنبه‌های ضدرقابتی موضوع جهت رسیدگی در حدود صلاحیت قانونی به شورای رقابت منعکس گردد.
- ۱۱- آثار اقتصادی این رویه بر بنگاه‌های کوچک و متوسط، اجرای ماده (۲۷۲) قانون مالیات‌های مستقیم و سطح شفافیت مالی کشور مورد ارزیابی قرار گیرد.

۱۲- تا تعیین تکلیف نهایی، از اعمال هرگونه محدودیت سامانه‌ای، انتظامی، رتبه‌بندی یا حرفه‌ای صرفاً به علت توافق صاحبکار و مؤسسه حسابرسی بر مبلغی کمتر از کف یا درصد افزایش تعیین‌شده جلوگیری شود.

این کانون ضمن تأکید بر ضرورت حفظ کیفیت، استقلال و شأن حرفه حسابرسی، معتقد است این اهداف باید از طریق استانداردهای حسابرسی، کنترل کیفیت، نظارت بر استقلال حسابرسان، مستندسازی ساعات حرفه‌ای و برخورد با تخلفات اثبات‌شده تأمین شود؛ نه از طریق حذف رقابت و تحمیل کف قیمت.

اصل، رقابت سالم و کشف قیمت توسط عرضه و تقاضاست؛ نه تثبیت قیمت از طریق انحصار، رانت و قدرت انتظامی.

لذا خواهشمند است در صورت صلاحدید موضوع جهت تکمیل رویه کارشناسی و طرح در هیئت مقررات زدایی به وزارت اقتصاد منعکس گردد.

با تجدید احترام



مهدی معصومی

رئیس کمیسیون مالیات، گمرک و بانک